



مهندسی فرهنگی بر پایه قرآن کریم، راه گشای توسعه و تعالی سازمان ها

فائزه قنادزاده^{۱*}، جواد صادقی^۲

^۱ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، سیرجان، ایران

دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه علوم و تحقیقات، واحد تهران، ایران

گروه مدیریت و هنر، دانشکده کوثر، واحد سیرجان، دانشکده فنی و حرفه ای (TVU)، کرمان، ایران

گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

faezeh_gh@yahoo.com

^۲ مربی گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Javadsadeghipnu@gmail.com

چکیده

مهندسی فرهنگی سامان دادن مولفه های همگرای فرهنگ در یک کلیت منسجم و هدفدار است که شاکله ی آن رفتار و نگرش فردی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. هدف از این پژوهش بررسی و اهمیت نقش مهندسی فرهنگی بر پایه قرآن، کلید راه گشای توسعه سازمان های کشور می باشد. این پژوهش از نوع تحلیلی بوده و با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه ای و منابع اینترنتی، به صورت مروری به رشته تحریر در آمده و تلاش دارد با ذکر تعریفی از فرهنگ، مهندسی، مهندسی فرهنگی و ضرورت استفاده از آن بر پایه آیات قرآن کریم در توسعه همه جانبه کشور، به عوامل و موانع استفاده از مهندسی فرهنگی، اشاره کرده و راهکارهایی ارائه نماید. در پایان به این نتیجه دست یافتیم که مهندسی فرهنگ کشور بر پایه قرآن، نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور، ساختارها، دستگاهها، سیاست ها و قوانین و سازوکارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف بر مبنای آیات و روایات قرآن کریم کلید و راه گشای توسعه سازمان ها می باشد.

کلمات کلیدی: فرهنگ، مهندسی فرهنگی، قرآن و مهندسی فرهنگی.

۱. مقدمه

با گسترش وسایل ارتباط جمعی و تبدیل شدن جهان به دهکده ای جهانی که اطلاعات و ارتباطات افراد جوامع مختلف در کوتاه ترین زمان ممکن امکان پذیر می شود، فرهنگ های جوامع نیز به همراه این تغییرات منتقل می گردند، در این میان برخی از فرهنگ ها، به واسطه ی قدرت قوی اقتصادی جوامع خود بر دیگر فرهنگ ها سلطه پیدا می کنند، در بعد از انقلاب اسلامی، به فرهنگ مهاجم غربی، تهاجم فرهنگی و یا ناتوی فرهنگی غرب گفته شد (صانعی خوانساری، ۱۳۷۴).

واژه فرهنگ نیز که امروزه شامل باورها، سنت ها، آداب، رسوم، اخلاق، منش های فردی و اجتماعی، بینش ها و روش های فردی و گروهی، ارزش های مورد قبول و معیارهای ارزش گذاری و ... می شود با معنای نخستین خود که عبارت از دانش و ادب و نیز عقل و خرد بوده است ارتباطی وثیق دارد. زیرا همه موارد یاد شده می تواند، بلکه می باید ریشه در علم و عقل

داشته و برآمده از آن باشد و در حقیقت علم صائب و عقل سلیم اگر در وجود فرد و در کالبد جامعه نهادینه شود، برآیند آن: بینش ها، روش ها، باورها، سنت ها، آداب، رسوم و اخلاق شایسته، متعالی، انسانی و امنیت بخش و آرامش آفرین خواهد بود. و چنانچه جهل و هوس جای علم و خرد نشسته باشد، همه شاخه های نگرشی و رفتاری فرد و جامعه که فرهنگ او را شکل می دهد، رنگ جاهلانه خواهد داشت و زندگی نامعقول و نامطلوبی را رقم می زند (ترابی، ۱۳۹۳).

مهندسی فرهنگی این است که با رویکرد سیستمی اجزاء فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه ی فرهنگ جانمایی شده و روابط آنها بخوبی تنظیم شود. در واقع مهندسی فرهنگی یعنی مشخص کردن فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون زا و کیفیت بخش که اسمش فرهنگ می باشد و در درون انسان ها و جامعه بوجود می آید، چگونه باید باشد؛ اشکالات و نواقص اش چیست و چگونه باید رفع شود؛ کندهای و معارضاتش کجاست؟ مجموعه ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳).

مهندسی فرهنگ بدین مفهوم است که با یک بصیرت و یک فکر کلان و نگاه برتر و بالاتر، همه جریانهای فرهنگی داخل و خارج کشور دیده شده و مشخص شود که عناصر فرهنگی با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت برود. از سوی دیگر باید حرکت فرهنگ به سمت مطلوب، هدایت و مراقبت شود. هدایت و مراقبت حرکت فرهنگ به سمت مطلوب با مهندسی فرهنگی کشور انجام می پذیرد. پس مهندسی فرهنگ وظیفه و مأموریتی است که از عمق و پیچیدگی بالایی در حوزه مدیریت راهبردی کشور برخوردار است. لازمه انجام چنین وظیفه ای بهره گیری از نتایج تلاش های علمی و پژوهشی و مطالعاتی در موضوع فرهنگ و توسعه فرهنگی و در اختیار داشتن اطلاعات استراتژیک فرهنگی با رصد مستمر فرهنگی کشور و جهان می باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳).

مهندسی فرهنگی سامان دادن مولفه های همگرای فرهنگ در یک کلیت منسجم و هدفدار است که شاکله ی آن رفتار و نگرش فردی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. بحث مهندسی فرهنگی هدایت، ساماندهی و مطلوبیت فعالیت دستگاههای فرهنگی جامعه برای پاسخ به نیازها مورد توجه است. به عبارت دیگر در این فرایند براساس ملاحظات یک فرهنگ مطلوب دستگاههای وابسته به نظامهای مختلف اجتماعی (متأثر از فرهنگ جامعه) سازماندهی مجدد شده و دارای جهت گیری و نظم مجدد با رویکردی فرهنگی می شوند. نهایت آنکه مهندسی فرهنگی در صدد آن است که به همه ابعاد و زمینه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور رنگ و بوی اسلامی داده و آنها را از فرهنگ غیر بومی و بیگانه مبرا کند به منظور طراحی فرهنگ یک جامعه و تعیین سمت و سوی صحیح حرکت و پیشرفت آن و نیز در راستای فراهم ساختن بسترسازی های لازم برای رشد و شکوفایی آن، ضروری است که سامانه ای براساس صحیح ترین و مطمئن ترین ساختارها پایه ریزی شود. این سامانه باید از هرگونه آسیبی در امان بوده در جریان تحول و تکامل آن خللی ایجاد نشود و در هر زمان و مکانی ظرفیت ایستایی در برابر تهاجمات احتمالی را داشته باشد. دقیقاً از همین رو است که ضرورت پرداختن به مقوله مهندسی فرهنگ مطرح می شود (روحانی، ۱۳۸۷).

کشف این هندسه معرفتی و علمی قرآن برای حرکت به سوی خدا، خود مهم ترین مقوله در این پژوهش قرآنی است و متأسفانه تاکنون تلاش کمی در میان اسلام شناسان برای کشف این ساختار صورت گرفته است. این نوشته هرگز نمی تواند مدعی دستیابی به این طرح جامع باشد و صرفاً درصدد ارائه شمایی اجمالی از طرح کلان و ماکتی کوچک از آن است تا زمینه را برای تأمل و ژرفکاوای اصل تحقیق بگستراند و اهل دقت را به نقد و نظر وا دارد. با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ و مهندسی فرهنگی با استفاده از آیات قرآن کریم، در پژوهش حاضر به بررسی و اهمیت مهندسی فرهنگی بر پایه قرآن کریم، به عنوان کلیدی جهت توسعه سازمان های کشور می پردازیم.

۲. مروری بر ادبیات پژوهش

۱-۲ تعاریف فرهنگ

اساساً فرهنگ تعیین کننده رفتار، پندار و کردار انسان و روش درک او از جهانی است که در آن زندگی می کند و معرف جهان بینی، دیدگاهها، نگرشها و شیوه پنداشت و رفتار است. فرهنگ بیان کننده مفهومی اخلاقی و ارزشی است و معیار

صحیح یا ناصحیح اعمال مردم جوامع و گروهها و عامل مشترک آنها در تعیین و تبیین رفتارها و تشخیص خوب و بد است. فرهنگ، نگرشها و رفتارهای مردم یک جامعه یا گروه را همساز می‌نماید و شعاعهای زندگی آنها را پیوند می‌دهد و عادات، آداب، رسوم، اعتقادات، شیوه زندگی کردن، کار کردن، استراحت، تفریح، ارتباطات، همزیستی و سایر تعاملات زندگی فردی و اجتماعی افراد را هدایت می‌نماید و سامان می‌دهد و به زندگی اجتماعی هویت می‌بخشد. فرهنگ شخصیت جامعه و وجه تمایز زندگی اجتماعی و فردی جوامع بشری است و همه باورها، ارزشها، آرمانها، هنرها، فنون و آداب جامعه را دربر می‌گیرد و ساخت و کیفیت زندگی را نمایان می‌سازد (سید جوادین و ناصرزاده، ۱۳۸۴، ۶۰۹).

با ظهور کشور ژاپن به مثابه یک قدرت مهم صنعتی، آگاهی نظریه پردازان سازمان و مدیریت از رابطه میان فرهنگ و مدیریت افزایش یافت. در طول دهه ۱۹۶۰ سلطه مدیریت و صنعت آمریکایی در اوج هنر بود ولی به تدریج در خلال دهه ۱۹۷۰ فعالیت ژاپن در زمینه ساخت خودرو، صنایع الکترونیک و سایر صنایع کارخانه ای این وضعیت را تغییر داد و ژاپن ضمن بدست آوردن شهرت و اعتباری پایدار در زمینه کیفیت، جلب اعتماد، کاهش قیمت و ارائه خدمات، بر بازارهای بین المللی مسلط شد و از میان خرابیها و خاکسترهای جنگ جهانی دوم چنان امپراطوری صنعتی بوجود آورد که در جهان نظیر نداشت (مورگان، ۱۳۸۳، ۱۴۹).

از «فرهنگ» متجاوز از ۱۶۰ تعریف ارائه شده که برخی از این تعاریف به تعریف کلی و عام این مفهوم و برخی دیگر به تعریف اختصاصی آن پرداختند. در ذیل به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

این کلمه در زبان انگلیسی مجازاً از مفهوم کشت و زرع^۱ گرفته شده است. وقتی درباره فرهنگ صحبت می‌کنیم، معمولاً به الگویی اشاره داریم که در سیستم اجتماعی اطلاعات، ایدئولوژیها، ارزشها، قوانین و تشریفات روزمره منعکس می‌شود. این کلمه معمولاً بر درجه ارتباط سیستم‌های اعتقادی و عملی دلالت دارد (مورگان، ۱۳۸۳، ۱۵۰).

در واقع فرهنگ به معنی علم و دانش و ادب، تربیت، معرفت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است^۲. فرهنگ یعنی نیکونی، پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر^۳.

نخستین تعریف جامع و علمی از فرهنگ را ادوارد بارنت تیلور در سال ۱۸۷۱م ارائه نمود. او در تعریف انسان شناختی خود از فرهنگ می‌نویسد: «فرهنگ یا تمدن در معنای وسیع قوم نگاریش عبارت است از کلیت در هم بافته‌ای شامل دانش، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و هرگونه قابلیتها و عاداتی که به وسیله انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب شده است (شریف زاده، ۱۳۷۷، ۱۱).

ساترلند و وودوارد می‌گویند «فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی دیگر رسانده شود، یعنی همان میراث اجتماعی و کلیت جامعی که شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزارسازی و کاربرد آنها و روش فرارساندن آنها می‌شود.» (حقیقی، ۱۳۸۰).

۲-۲ ابعاد^۴ معروف فرهنگ

ابعاد معروف فرهنگ که برای محققان روشن است، عبارتند از: زبان، نگرش به زمان، استفاده از فضا و مذهب. زبان شاید آشکارترین جنبه فرهنگ باشد در بسیاری از شرکتها از علائم، اشاره‌ها، استعاره‌ها، کنایه‌ها یا شکل خاصی از زبان استفاده می‌شود و افراد بدین وسیله مقصود خود را به دیگران تفهیم می‌کنند. همچنین مجموعه لغات یک زبان، تاریخ یک جامعه و چیزهایی را نشان می‌دهد که برای آن جامعه مهم هستند.

نگرش به زمان و طرز برخورد با آن در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است. در برخی از فرهنگ‌ها برای زمان ارزش بیشتری قائل می‌باشند و آنرا خط مستقیمی می‌دانند که گذشته سپری شده و زمان حال اندکی با ماست و آینده در مقابل

۱ - Agriculture

۲ - فرهنگ عمید

۳ - فرهنگ نفیس

۴ - Dimensions

ماست. در چنین فرهنگی برنامه‌ریزی دراز مدت بسیار مهم و با اهمیت است و داشتن برنامه‌ریزی شیوه‌ای برای استفاده از زمان برای اداره آینده است.

نحوه استفاده از فضا در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. فضا برای بعضی مثال مال شخصی آن‌ها می‌باشد و حدود نزدیک شدن به این فضا در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. وقتی دیگران خیلی به فضای شخصی ما نزدیک می‌شوند ما را معذب می‌کنند وقتی خیلی از ما فاصله می‌گیرند نیز نگران می‌شویم. نحوه استفاده از فضا با فرهنگ رابطه دارد. در اسپانیا و ایتالیا شهرها در اطراف میادین مرکزی ساخته می‌شوند که هم سو با فرهنگ چند بعدی است در حالی که شهرهای آمریکا به طور خطی در امتداد خیابان اصلی ساخته می‌شوند که هم سو با فرهنگ تک بعدی است نفوذ فرهنگی حتی در شکل سازمان‌دهی فضای محیط کار نیز قابل رویت است. آمریکائی‌ها دفاتر مستقل شخصی در بسته و ژاپنی‌ها سالنهای باز را ترجیح می‌دهند.

مذهب نیز یکی از بعدهای به وجود آورنده فرهنگ آن جامعه است. احترام به مقدسات و محترم شمردن روزهای خاص، داشتن پوشش مناسب برای مردان و زنان و خودداری از خوردن بعضی از غذاها و نوشابه‌ها، ادای احترام و شرکت کردن در مراسم از مذهب ریشه می‌گیرند. حتی نفوذ فرهنگ را در بعد اقتصادی نیز می‌توان دید و از نظر اسلامی دادن وام با بهره مشخص منع شده و فروختن خوردنی حرام ممنوع است (رابینز، ۱۳۸۰، ۵۱-۵۳).

۲-۳ تعاریف مهندسی

لغت‌شناسان، واژه «مهندس» را به معنای: اندازه‌گیرنده، تقدیرکننده، محاسب، شماردار و مقدر دانسته‌اند و «مهندسی» را اندازه‌گیری و حسابگری تعریف کرده‌اند. کاربردهای نخستین این کلمه در ادب پارسی، در زمینه علم هندسه و اشکال عالم، مساحی و اندازه‌گیری زمین و بنا بوده و سپس در قلمرو سایر دانش‌ها چون پیکرتراشی، معماری، راه‌سازی، کشاورزی و نهایت ساختن انواع ماشین‌ها و طراحی و ساخت سیستم‌های الکتریکی و الکترونیکی سرایت کرده است (ترابی، ۱۳۹۱).

مهندسی در واقع همواره همراه با مفهوم سیستم است و سیستم نیز دارای اجزایی است همچون: ورودی، پردازش (تصمیم‌گیری)، خروجی و بازخورد. ورودی‌های یک سیستم، تقاضاها و حمایت‌های افراد جامعه است که در بخش پردازش، برای آنها سیاست و خط‌مشی اتخاذ می‌شود و این سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها به عنوان خروجی سیستم در سطح جامعه اجرا می‌گردد. چنانچه این سیاست‌ها و تصمیم‌ها متناسب با تقاضاها نباشد، در فرایندی دیگر دوباره بازخورد شده و به صورت تقاضا وارد سیستم می‌شود (روحانی، ۱۳۸۷).

۲-۴ تعاریف مهندسی فرهنگی

از مباحث نوینی که در طول دهه اخیر در سطح کشورهای صنعتی مطرح گردیده، بحث مهندسی فرهنگ است. با ابتناء بر بیانات مقام معظم رهبری، مهندسی فرهنگ سه وظیفه مهم یعنی: ارزیابی وضعیت موجود، تعیین فرهنگ آرمانی (یا همان وضعیت فرهنگی مطلوب) و ارائه برنامه و ارائه طریق را بر عهده دارد. (روحانی، ۱۳۸۷)

مهندسی فرهنگی یک کشور به معنی نظم‌دهی، جهت‌دهی، جهت‌یابی و انسجام مجموعه دستگاه‌های کشور در جهت حفظ و حراست از فرهنگ آن کشور است. در فرآیند تحقق مهندسی فرهنگی، ابتدا باید فرهنگ هر جامعه‌ای را مورد بازخوانی و شناخت قرار داد. با مهندسی فرهنگی، آن فرهنگی که مطلوب است و باید مبنای شکل‌گیری محیط زیست فرهنگی قرار گیرد، مشخص می‌شود (پوررضا، ۱۳۸۵).

اگر مهندسی را به معنای طراحی، سازماندهی، پی‌ریزی و معماری یک سیستم سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری بدانیم، به هرحال یکی از عناصر و پایه‌های انکارناپذیر آن، محاسبه، سنجش و تقدیر و اندازه‌گیری در راستای نظام بخشی و شکل‌دهی جدید سرمایه‌های مادی و معنوی و امکانات بالفعل و بالقوه است. تا در نتیجه این طراحی و نظام بخشی، کارآمدی سرمایه‌ها و امکانات ارتقا یافته و به دستاوردهای بهتری منتهی شود.

۲-۵ تاریخچه مهندسی فرهنگی

انسان ابتدایی در گذشته تاریخ، از هستی و طبیعت، تصویری منسجم، به هم پیوسته و قانونمند نداشت، میان پدیده ها، وقایع و رخدادها ارتباط چندانی نمی شناخت ولی به تدریج با تجربه های مختلف، طی هزاران سال دریافت که نظام طبیعت، چونان شبکه ای درهم تنیده است که تار و پود اجزای آن با حسابی دقیق در کنار هم قرار گرفته است و ایجاد هرگونه تغییر در یک جزء، تغییرها، بلکه تحولاتی را در سایر اجزا به همراه دارد. این تجربه عینی و دریافت خردمندانه بود که به شکل گیری دانش های بشری منتهی شد و بشر توانست سطح بهره وری خود را از طبیعت صدها بار ارتقا بخشد و به قدرتمندی و توانمندی شگفتی در زندگی مادی دست یابد. بیشترین نمونه این دستاوردهای بشری، جنبه سخت افزاری و مادی داشته است و به همین دلیل قبل از اینکه اصطلاح «مهندسی فرهنگی» مطرح شود، ده ها مهندسی دیگر با پسوند مکانیک، فیزیک، شیمی، معماری، صنایع، معادن و ... شکل گرفت و صدها دانشگاه و مرکز آموزشی به تعلیم و تعلم آن پرداختند و مراکز پژوهشی بی شمار به تعمیق و گسترش آنها همت گماشتند. اما به نظر می رسد که برای مقوله ای چون «فرهنگ» جایگاهی رسمی به عنوان «مهندسی فرهنگی» تعریف نشده.

تعبیر مهندسی فرهنگی، در ادبیات علمی و اجتماعی ما از پیشینه ای طولانی برخوردار نیست. بلکه می توان تولد آن را در دهه های اخیر جستجو کرد. البته این تولد نوین به ساختار ترکیبی واژه «مهندسی فرهنگی» مربوط می شود چه این که هر یک از این دو واژه - به تنهایی - در زبان فارسی قدمتی بس طولانی تر دارد. این واژه در قرن اخیر، در زمینه آموزش و پرورش نیز به کار رفته و تنها در چند دهه اخیر است که کاربردهای آن گسترش بیشتری یافته است، به طوری که پژوهشگران از ارائه تعریفی دقیق و همه جانبه برای آن بازمانده و یا در ارائه تعریفی همه پسند، گرفتار تنگنا شده اند، میتوان ادعا کرد که تعبیر «مهندسی فرهنگی» همزاد معنای جدید و کاربردهای نوینی است که برای تک واژه های «مهندسی» و «فرهنگ» در چند دهه اخیر شکل گرفته است. یعنی این معانی و کاربردهای جدید، ترکیبی تازه را نیز به همراه داشته است (تراپی، ۱۳۹۱).

۲-۶ اهمیت و ضرورت مهندسی فرهنگی

حیات هر جامعه ای به فرهنگ آن بستگی دارد. پس ملتها وظیفه دارند که برای ادامه ی حیات انسانی و تکامل معنوی خویش، محیط زیست فرهنگی خود را مهندسی و مدیریت کرده و آن را از ضعفها پاک سازند، هم چنین عناصر و مؤلفه های حیات بخش آن را تقویت نمایند و از نفوذ و ورود عناصر آلاینده و خسارت بخش فرهنگ دیگر، جلوگیری نمایند. بنابراین می توان گفت که مهندسی فرهنگی در هر کشوری، برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف می باشد (کمال طلب، ۱۳۸۰).

با ورود به عرصه ی جهانی شدن و نیازهای مبرم کشورها به ایجاد روابط اقتصادی، آزادسازی ورود کالاهای خارجی و برداشتن محدودیت هایی که شاید در طی مدتی بوده، دیگر نمی توان همانند قبل، نسبت به کالاهای وارداتی محدودیت هایی قائل بود، اما با این حال باز هم امکان ورود اجناسی به صورت قاچاق، آن هم اجناسی که با فرهنگ و هویت ملی شیعی ما ناسازگار هستند وجود دارد، چرا که در جامعه شاهد افزایش روزافزون این گونه کالاها هستیم. آنچه می توان در این جا جهت راه- کاری برای مقابله مطرح نمود، محدود کردن نیست بلکه ایجاد راه هایی جهت تقویت روحیه ی مقاومت در مردم و هم چنین تقویت حرکت های فرهنگی به همراه سعی و تلاش مسئولین در جهت توسعه ی اقتصادی می باشد. بنابراین امروزه دیگر محدودیت هایی گذشته را نمی توان اعمال و اجرا نمود، چرا که اکنون دنیا بسان دهکده ای کوچک تلقی می شود و ارتباطات آن چنان گسترده شده، که به هر سو و به هر طریقی، مردم تحت تأثیر توسعه و عوامل مربوط به آن قرار می گیرند، آن- چه اهمیت دارد، بالابردن باورهای مردم و ظرفیت ایشان در این مقولات است (کاملی، ۱۳۸۲).

۲-۷ قرآن و مهندسی فرهنگی

در مقابل مکاتب بشری، قرآن برای فرهنگ، اندیشه، اخلاق و باورهای انسانی، قائل به اصالت است. بلکه آن را اصیل ترین واقعیت زندگی انسان در این جهان می داند و بقیه نهادها و نمادهای زندگی بشر را، در عین اهمیت و ضرورت، تابعی از بینش، باور، اخلاق و شخصیت فکری و معنوی او می شناسد. اگر لیبرالیسم محور همه ایده ها و برنامه های خود را «آزادی

انسان برای رسیدن به تمایلات خویش» قرار داده است و اگر مارکسیسم نقطه نهایی آرمان خود را «رسیدن به جامعه بی طبقه اقتصادی» معرفی کرده است و پایه همه تعالیم و توجیه ها و حرکت های خود را «تساوی اقتصادی و اشتراکیت و حذف مالکیت فردی» قرار داده است، و اگر برخی مکاتب عرفانی غیرتوحیدی، پایه بنیادین تعالیم و تمرین های خود را «کشف قوای نهفته بشر و دستیابی به توانمندی های درونی انسان» دانسته اند، قرآن اساس و محور همه تعالیم، توجیه ها و برنامه ها و اهداف خود را امری معرفتی و فرهنگی معرفی کرده که عبارت است از «شناخت خدا، ایمان به او، اظهار بندگی به درگاه او، اطاعت از او و حرکت به سوی او».

این عناصر که مهمترین عناصر دین و دینداری به شمار می آیند، - حتی به باور کسانی که اعتقادی به دین ندارند - عناصری فرهنگی و فرهنگ ساز هستند. حال دین ناباوران، فرهنگ دینی را فرهنگی غلط و نادرست می شناسند و دین باوران، آن را فرهنگی اصیل و درست می دانند.

در قرآن، هرگاه سخن از بعثت پیامبری به میان آمده است، اولین پیام او برای امتش، پیام خداآوری بوده است؛ «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (مؤمنون/۲۳)
«وما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنها گفت: ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید.»
«وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ» (عنکبوت/۱۶)
«ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: (خداوند را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید.»
«وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» (مائده/۷۲)
«مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یگانه را، که پروردگار من و شماست، پرستش کنید.»
و در بیانی کلی و جامع قرآن اعلام کرده است:
«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (نحل/۳۶)
«ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای یکتا را بپرستید.»

قرآن بر پایه این اصل قویم سایر اصول و فروع خود را بنا کرده است. به تعبیر دیگر دو اصل ثابت و بنیادی قرآن «از خدا بودن» و «به سوی خدا بودن» است و قرآن بقیه تعالیم و آموزه های خود را برای زندگی فردی و اجتماعی انسان در حد فاصل میان این دو اصل، طراحی کرده است. کشف این طرح و هندسه معرفتی و علمی قرآن برای حرکت به سوی خدا، خود مهم ترین مقوله در این پژوهش قرآنی است و متأسفانه تاکنون تلاش کمی در میان اسلام شناسان برای کشف این ساختار صورت گرفته است. اما در نمایی کلی از «مهندسی فرهنگی قرآن» می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دعوت به عبادت و معرفت پروردگار؛
«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۲۱) «ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید؛ تا بپرهیزکار شوید.»
۲. ایمان به انبیا (واسطه میان خدا و خلق)
«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ» (نساء/۱۷۰) «ای مردم! پیامبری که انتظارش را می کشیدید،» حق را از جانب پروردگارتان آورد.» در این آیه نیز خطاب به توده انسان ها و همه نسل هایی است که شنوای این پیامند و محتوای آن، این است که شما به اختیار خود نیامده اید! بلکه در آمدن و بالیدن، پرورش دهنده ای دارید، همو اکنون برایتان پیام رسانی فرستاده تا حقیقت زندگی - آمدن، زیستن و رفتن - را برای شما بازگوید، چنان که اگر خوب بیندیشید، فرستاده شدن پیامبر (ص) از سوی پروردگار، خود مبتنی بر منطقی راستین است.
۳. هدفمندی هستی و زندگی انسان؛
«قَالَ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ» (طه/۵۰) «پروردگار، اوست که همه چیز را وجود بخشیده و سپس آنها را به سوی هدفی رهنمون ساخته است.» قرآن در این بیان بر هدفمندی آفرینش و حیات انسان تأکید دارد و این هدفمندی را با طرح دو اصل به انسان یادآوری کرده است: ۱- خلقت آغازین ۲- رجعت و بازگشت به جانب خالق.
۴. مسئولیت انسان در زندگی و پاسخگویی او در آخرت؛

«إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيُتْجَزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه/۱۵) «لحظه قیامت حتماً فرا می رسد، زمان آن را پنهان داشته ام! قیامت برای آن است که هر کس پاداش تلاش های خود را دریافت کند.»

۵. ضرورت حرکت آگاهانه و عاقلانه و مسئولانه در زندگی؛

آن آغاز و این فرجام می طلبد که انسان حرکت خود را در زندگی آگاهانه و اندیشمندانه انتخاب کرده و پی گیری نماید، چرا که در قبال هر گام باید پاسخگو باشد. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹) «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟!»، «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران/۱۹۱) «و در اسرار آسمان ها و زمین می اندیشند.»

۶. لزوم بهره گیری از «امکانات فطری» و «هدایت های انبیا» در شناخت صحیح هستی و زندگی؛
«قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» (ملک/۲۳) «بگو او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد.»، «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور/۴۰) «و کسی که خدا برای او نوری قرار نداده، نوری برای او نیست.»

۷. دستیابی به زندگی واقعی و بهینه، فلسفه اطاعت از خدا و رسول؛
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال/۲۴)
«ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خوانند.»
۸. برنامه های عملی قرآن برای تحقق زندگی برتر و بهتر انسان بر کره خاک؛

خطاب هایی که در قرآن، قبل از وارد شدن انسان به جرگه مؤمنان متوجه او شده است، معمولاً با تعبیر (یا ایها الناس) است، چنان که مواردی را در زمینه اصل ایمان به خدا و قیامت آوردیم. ولی هنگامی که قرآن از ساحت هستی شناسی و بیان اصول بنیادین عبور کرده و به عرصه برنامه های عملی گام نهاده است، خطاب ها معمولاً با عنوان (یا ایها الذین آمنوا) می باشد

آنچه در این سطرها به عنوان برنامه های عملی مورد اشاره قرار گرفت، بخش کمی از برنامه های عملی متنوع قرآن برای اهل ایمان است که همه این عناصر در کنار هم هدفی را دنبال می کند و این برنامه ها به گونه ای ترسیم و تنظیم شده است که بتواند برای انسان، زندگی معنوی همراه با آسایش و آرامش را رقم زند. در صورتی که یک یا چند اصل از این اصول یا یک یا چند برنامه از این برنامه های عملی مورد بی توجهی قرار گیرد، تعادل نظام کارکردی دین بر هم خورده و جامعه به اهداف مورد نظر - آن گونه که باید - دست نمی یابد. و امروز مشکل جوامع اسلامی را که در فقر علمی و اقتصادی و سیاسی به سر می برند، باید در این زاویه جستجو کرد. آنچه آورده شده، هرگز آن هندسه نهایی قرآنی نیست، بلکه این هندسه که بیش از هر چیز یک سازماندهی و برنامه ریزی فرهنگی است، باید بیش از این مورد بررسی و دقت قرار گیرد و شناسایی شود.

۲-۸ مهمترین عامل فرهنگ ساز

کافران به اسلام و حتی متفکران همه ادیان، نمی توانند نقش دین در فرهنگ سازی پیروان ادیان را انکار کنند، بلکه باید اذعان کرد که دین و باورها و تعالیم دینی، طی ده ها قرن، یکی از مهم ترین عوامل فرهنگ ساز در میان ملت ها و جوامع بشری بوده است. بنابراین باید «نسبت قرآن با وجه دوم» را مورد بررسی قرار داد؛ یعنی باید دید آیا تأثیرگذاری قرآن - به عنوان یک کتاب دینی- بر فرهنگ جوامع اسلامی، مبتنی بر فرایندی غیر علمی، محاسبه نشده و غیر مدبرانه بوده و فاقد مهندسی فرهنگی است؟

برخی از پژوهشگران معتقدند که: قرآن کلام الهی است، پیامبر (ص) فقط پیام رسان خداست و خود هیچ گونه دخل و تصرفی در الفاظ و مفاهیم وحی نداشته است، کلام الهی ریشه در علم و حکمت نامحدود او دارد، کلام الهی - معارف و رهنمودهای قرآن - کمترین تعارض و ناهمسازی با سرشت و فطرت انسان و عقل و علم ندارد، کلام الهی هدفمند است و در صد تحقق اهداف مشخصی است و از هرگونه حرکت کور و بیبوده مبراست، اصلی ترین هدف قرآن، تعالی معنوی و روحی انسان بوده است، قرآن برای راهنمایی انسان به سمت زندگی برتر مادی و معنوی، نظامی اعتقادی و عملی را به او ارائه کرده است، نظام اعتقادی و عملی قرآن به گونه ای عالمانه و دقیق ترسیم شده است که بتواند اهداف مورد نظر را در زندگی فردی و

اجتماعی انسان تحقق بخشد، تنظیم و طراحی محاسبه شده، علمی، هدفمند و دقیق برنامه های قرآن برای دستیابی انسان به زندگی معنوی برتر - و به تبع آن زندگی مادی مقبول تر - همان چیزی است که آن را «مهندسی فرهنگی قرآن» می نامیم، طرح و برنامه قرآن برای دستیابی انسان به حیات برتر که اخلاق، رفتار، بینش، رسوم، عادات، منش و ارزش را شامل می شود، دارای محدودیت تاریخی نیست، بلکه با اتکا به علم و حکمت لایزال الهی، دارای حیات و اعتبار همیشگی و کارآمدی پایدار است، عنصر اجتهاد در نظام مطالعات دینی، همان چیزی است که عهده دار شناسایی ضرورت ها و شرایط است و وظیفه دارد تا در اجرای هندسه فرهنگی قرآن و تحقق اهداف آن، روش هایی را شناسایی کند و به کار گیرد که تأمین کننده اهداف قرآنی است و به نفع اهداف پیش بینی شده منتهی نمی شود.

قرآن ضرورتاً دارای نگرش فرهنگی و در صدد فرهنگ سازی بوده است و با ارائه برنامه ها و قواعد و قوانین و ترسیم ایده آل ها و تعمیق آنها در ذهن و اندیشه پیروان، طرحی حساب شده و دقیق را پی ریخته است و این طرح همان چیزی است که ما آن را «مهندسی فرهنگی قرآن برای جوامع بشری» نام نهاده ایم. در این نگاه، هر یک از توصیه های اخلاقی دین و نیز هر یک از برنامه های عبادی یا قواعد حقوقی قرآن، به گونه ای تعیین و تعریف شده است که بتواند صلاح و نیک اندیشی و خیرخواهی و سلامت جسمی و روانی و امنیت و آرامش فردی و اجتماعی شهروندان جامعه دینی را تأمین کند و از این طریق همه نمادهای فرهنگی جامعه دینی را در ابعاد مختلف به زیباترین نمادها برساند و نمودهای زشت را از ساحت فرهنگ جامعه بشری بزدايد.

۳. پیشینه پژوهش

- اشرافی ۱۳۹۳ مقاله ای با عنوان مهندسی فرهنگی به بررسی مهندسی فرهنگی از جوانب مختلف پرداخته. در پایان به این نتایج دست یافت که به هر حال بحث از مهندسی کشور یکی از وظایف درجه اول نظام اسلامی است که می بایست بلافاصله پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی به آن اقدام می کردند و عملیاتی کردن آن را وجهی همت خودشان قرار می دادند، اگرچه عمل نشدن این امر مهم، می تواند عوامل مختلفی داشته باشد، و تنها یکی از مقصران را می توان کوتاهی متصدیان امور فرهنگی نام برد، که البته این امر فقط به متصدیان فرهنگ مربوط نشده بلکه تمام اقشار جامعه را شامل می شود، بحث مهندسی فرهنگی کشور در سطح پائین تر آن، مهندسی فرهنگی سازمان هاست به عبارت دیگر تمامی ارگان ها چه دولتی و چه غیر دولتی مورد هدف nanوی فرهنگی هستند و در مقابل نیز این نهادها هستند که در کنار اقشار مختلف جامعه بایستی به پاسداری از روش های اصیل شیعی ایرانی خود همت گمارند.

- روحانی در سال ۱۳۸۷ به بررسی تحقیق و پژوهشی با عنوان مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل و با هدف تبیین سیاست های فرهنگی و تاثیرات متداخل آنها بر مقوله مهندسی فرهنگی، به ماهیت مهندسی فرهنگی با رویکردی پدیدارشناختی پرداخته است. در پایان این مهندسی را بازگشودند و متولیان را که باید عهده دار این مهم گردند را احصا نمودند. و با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری در امر مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی، با آزمون مدیریت رحمانی و نظریه رشد به نتایجی دست یافتند.

۴. موانع مهندسی فرهنگی

۱. در برخی موارد قوانین و ضوابط و تعریف اصول و تجدید رفتار جنبه فرهنگی و فرهنگ سازی دارد و در نهایت به شکل گیری یک نظام رفتاری، اعتقادی، اخلاقی و شخصیتی خاصی منتهی می شود، ولی به دلیل این که در طراحی اصول و ارائه بایدها و نبایدها، محاسبه ای عالمانه و تدبیری عاقلانه صورت نگرفته است و از قبل اهداف مشخص نشده و برای رسیدن به اهداف، کیفیت و کمیت وظایف و چگونگی روش ها مورد توجه قرار نگرفته است، گرچه این اصول نظری و قالب های عملی خواه ناخواه به شکل گیری یک نظام فرهنگی یا به هر حال عناصری از یک نظام فرهنگی - اجتماعی منتهی می شود، ولی در فرایند این شکل گیری - آغاز و فرجام - چیزی به عنوان «مهندسی فرهنگی» وجود ندارد.

۲. گاه مساله اساساً مرتبط با مسائل فرهنگی نیست، بلکه در جهت تولید یک محصول یا ساخت یک بنا و یا اداره فیزیکی یک مجموعه صورت گرفته است که در این صورت، اصول و فروع برنامه ها و دستورالعمل ها ارتباطی با فرهنگ و مهندسی فرهنگی ندارد.

۳. نتیجه گیری

مهندسی فرهنگی بستری برای دستیابی به فرهنگ مطلوب در سایه منابع و مقدرات موجود است. ترسیم ابعاد مختلف مهندسی فرهنگی جهت طراحی و اجرای صحیح، دقیق و همه جانبه نقشه مهندسی فرهنگی، نیازمند تحرک افزونتر نهادهای فرهنگ ساز همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی است. مقاله حاضر در جهت تبیین دقیق تر این مفهوم و ابعاد آن صورت گرفته است. به این ترتیب مهندسی فرهنگ کشور، نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور، ساختارها، دستگاهها، سیاست ها و قوانین و سازوکارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف بر مبنای آیات و روایات قرآن کریم است. آنچه تا کنون مورد غفلت محافل اسلام شناسی و حوزه های دینی قرار گرفته و تأخیر جوامع دینی را سبب گردیده است. در کار مهندسی فرهنگی جامعه دینی نیز تفاوت هایی وجود دارد و صرف این که کسی آیات مربوط به احکام و اخلاق و عقاید را از قرآن استخراج کند، بدان معنا نیست که توانسته است هندسه فرهنگی قرآن را برای همیشه شناسایی کرده و همان را در همه زمان ها پیاده کند. اگر فرض کنیم که هندسه فرهنگی قرآن هم ثابت باشد و تغییری در آن متصور نباشد، حداقل اجرای آن طرح و پیاده کردن آن هندسه در هر جامعه نیاز به روش ها و طرح های متفاوت اجرایی دارد، در حالی که ما همیشه در صدد شناسایی طرح خود قرآن بودیم، بی آن که توجه کنیم آن طرح، برای اجرا، نیازمند روشی است و روش ها، میدان اجتهاد و بررسی و مطالعه و تجربه می باشد. ولی تا کنون اهل اجتهاد و پژوهش، هم خود را در ساحت نخست مصروف داشته اند و به روش های اجرایی متناسب با زمان کمتر اندیشیده اند. در معنای واژه «مهندسی»، عنصر محاسبه، سنجش، تقدیر و طراحی آگاهانه و ارادی و پی ریزی شالوده های قانونمند یک بنا برای رسیدن به اهداف فکری و عملی حضور جدی و غیرقابل چشم پوشی دارد. بر این اساس باورها و قواعدی که طی دوره های طولانی و بر اساس شرایط و نیازهای مقطعی و به صورت اتفاقی یا انتخابی ناگزیر و محاسبه نشده و غیرعلمی در جوامع شکل گرفته و فرهنگی دیرپا یا نوظهور را در آن جوامع شکل داده است، فاقد «مهندسی فرهنگی» است. در نتیجه مهندسی فرهنگ بر پایه قرآن، نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور، ساختارها، دستگاهها، سیاست ها و قوانین و سازوکارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف بر مبنای آیات و روایات قرآن کریم کلید و راه گشای توسعه سازمان های کشور می باشد.

مراجع

۱. اشرفی، اکبر، (۱۳۹۳). فرهنگ در اندیشه امام (ره)، خبرگزاری پارس، «بی نا».
۲. پوررضا، معصومه، (۱۳۸۵). تقابل فرهنگی غرب و شرق، تهران، نشر ریحانه، ص ۱۲.
۳. ترابی، احمد، (۱۳۹۳). پژوهش های قرآنی. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (تاریخ: ۹۱/۱۲/۲۴)، شماره ۵۴ و ۵۵ ویژه نامه قرآن و مهندسی فرهنگی.
۴. حقیقی، محمدعلی، (۱۳۸۰). مدیریت رفتار سازمانی، تهران: انتشارات ترمه.
۵. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۸۱). برخورد شایسته با جوانان، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۱۱۱
۶. رابینز، استیفن، (۱۳۸۰). رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه ها و کاربردها. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ سوم.
۷. روحانی، حسن، (۱۳۸۷). مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجله راهبرد، شماره ۴۷.
۸. سیدجوادین، سیدرضا؛ ناصرزاده، سید محمدرضا، (۱۳۸۴). بررسی تأثیر معنویت کارکنان بر رضایت شغلی آنها، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی تهران.
۹. صانعی خوانساری، فاطمه، (۱۳۷۴). تمدنی نو در هزاره ی جدید، تهران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ص ۵۰.
۱۰. کاملی، رحمن، (۱۳۸۲). فرهنگ مقلد، فرهنگ مهاجم، شیراز، مجله ی دانشکده ی علوم انسانی، شماره ی ۱۲، صص ۹۳-۹۱.
۱۱. کمال طلب، صادق، (۱۳۸۰). فرهنگ غرب در جدال با فرهنگ اسلامی، قم، یاران، ص ۱۳۱.

۱۲. کیهان؛ ۱۳۸۳/۱۰/۹، سخنان مقام معظم رهبری، مورخ ۸ / ۱۰ / ۱۳۸۳، << بی جا >>
۱۳. کیهان؛ ۱۳۷۷/۳/۶، سخنران مقام معظم رهبری در مورخه‌ی ۵ / ۳ / ۱۳۷۷.
۱۴. مورگان، گرت، (۱۳۸۳). *سیمای سازمان*، ترجمه اصغر مشبکی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت

Cultural Engineering Based on the Holy Qur'an, Opening Up the Expansion and Excellence of Organizations

Faezeh Ghanadzadeh*

۱. Ph.D. student, Industrial Management, University of Science and Research, Tehran, Iran
-Young Researchers and Elite Club, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Iran
-Department of Management & Art, Faculty of Kosar, sirjan Branch, Technical and Vocational University (TVU), Kerman, Iran
-Department of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran
faezeh_gh77@yahoo.com

Javad Sadeghi

۲. Professor, Department of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran. Javadsadeghipnu@gmail.com

Abstract. *Organizing cultural engineering culture in whole coherent and targeted convergent factors shaping the attitudes and behavior that affect personal and social. The aim of this study was to evaluate the importance of cultural development based on the Qur'an, the key to the development of the country. The study analysis and documentation using library and Internet resources, to review the written and tries to define the culture, engineering, cultural engineering and the application of it on the Quran the development of the country, the factors and barriers to the use of cultural engineering, pointed out and provide solutions. In the end, we concluded that engineering culture based on the Quran, modernization and reconstruction of the country's macro-structures, systems, policies and rules and mechanisms for the realization of the ideal culture and target culture based on Quran verses and traditions and the development of key is.*

Keywords: *culture, cultural engineering, the Holy Quran and cultural engineering.*